

اقتصاد

روزنامه صبح ایران



چرا خرید دلار در شرایط فعلی ریسک بالایی دارد؟

ورود سیگنال‌های جدید قیمتی به بازار ارز

صفحه ۵

استيضاح يا کودتا؛ تندروها در کدام تهديد پزشکيان موفق می شوند؟

دلواپسان کشور یا قدرت؟

می‌برند.

اما، این اقدام تندروها با اولین سالگرد انتخاب مسعود پزشکیان مصادف شده است. چند روز پیش از آغاز جنگ نیز یک نماینده سابق مجلس از آغاز نهضت پیامکی برای استيضاح پزشکیان خبر داده بود. این موضوع در کنار حملات طرفداران سعید جلیلی به پزشکیان از زمان روی کار آمدن او، این شائبه را ایجاد می‌کند که مصاحبه و سفر بیشتر بهانه اند.

هشنگ عدم کفایت به خاطر زبان بدن پزشکیان؟

پس از شرکت سفر یک روزه پزشکیان به آذربایجان برای شرکت در اجلاس سران کشورهای سازمان همکاری های اقتصادی (اکو) فضایی رسانه ای علیه او به راه افتاد.

ادامه در صفحه ۳

ایران ۳ – چین صفر یک نمایش بی‌دردسرا	افزایش قیمت تولید برق در اردیبهشت	درس بزرگ از پیامدهای منفی و تلخ جنگ
با قدرتی بی‌نظیر و بدون توقف	اصلاح تعرفه برق هنوز ناکافی است	نزوم حفظ همبستگی در دوران پسا جنگ
صفحه ۸	صفحه ۲	صفحه ۳

سخت‌نخست به‌قلم: پویا و کیلی



به‌قلم: پویا و کیلی

اتحاد ملی؛ سد شکست‌ناپذیر در برابر تهدیدها

جنگ ۱۲ روزه اخیر، بار دیگر ثابت کرد که بزرگ‌ترین قدرت هر ملت، نه در تجهیزات نظامی صرف، بلکه در وحدت و انسجام ملی نهفته است. در این نبرد کوتاه اما سرنوشت‌ساز، اتحاد مردم و نهادهای مختلف کشور، حتی با نقش آفرینی مثبت برخی اپوزیسیون خارج از کشور، سنگر اصلی پیروزی ایران بود. این همدلی و همراهی،

زنگ خطری برای حکام عرب

فتنه تجزیه طلبانه آمریکایی- اسرائیلی در سوریه

عادی‌سازی را برآورده کرده و به تعهدات خود در زمینه خارج کردن دمشق از محور مقاومت و ایجاد امنیت و ثبات برای صهیونیست‌ها عمل کرده است؛ اما تمامی این اقدامات مانع از تحقیر وی و حمله اسرائیل به سوریه نشده است، چرا که هدف استراتژیک اسرائیل تغییر سوریه است، نه تغییر نظام این کشور.

عطاوان با اشاره به اینکه رژیم صهیونیستی تنها چند ساعت بعد از اعلام سقوط دولت بشار اسد، بیش از ۵۰۰ حمله برای تخریب پایگاه‌های نظامی و فرودگاه‌ها و بنادر و انبارهای مهمات ارتش سوریه انجام داد، تأکید کرد که این رفتار نشان می‌دهد که هدف رژیم صهیونیستی تنها از بین بردن دولت سوریه نبود، بلکه آنها به دنبال از بین بردن ملت و تاریخ سوریه بودند و این رویکرد امروز نیز در جنوب این کشور و دمشق پایتخت آن قابل مشاهده است.

عطاوان با اشاره به اینکه تکرار سناریوی جنوب سوریه در زمینه بهره‌برداری صهیونیست‌ها از ابزارهای نژادی و فرقه‌ای در شمال و شرق آن نیز بعید به نظر نمی‌رسد، نوشت: فتنه تجزیه طلبانه آمریکایی و اسرائیلی به دنبال بهره‌برداری از رویکردهای فرقه‌ای و طایفه‌ای برای اهداف خود در سوریه و ایجاد نقشه جدید خاورمیانه تحت حاکمیت رژیم صهیونیستی است و این طرح قطعاً به دیگر کشورهای عربی از جمله مصر و عربستان و الجزایر و ترکیه و لبنان و عراق نیز منتقل خواهد شد. نتیجه‌این اتفاق این است که ائتلاف‌های دولتی با آمریکا و عادی سازی با اسرائیل و ارائه ترلیون ها دلار پول به واشنگتن و تل آویو نیز نمی‌تواند تضمینی برای بقای حاکمیت سرکردگان رژیم‌های عربی به شمار آید.



دیگر جریان‌هایی را ایجاد کند که موجودیت دولت ملی آنها را تهدید می‌کنند. رژیم صهیونیستی در این پروسه همواره آمریکا و بخش قابل توجهی از کشورهای اروپایی را همراه خود می‌بیند.

فتنه سوریه دامن کشورهای عربی را می‌گیرد

از سوی دیگر عبدالباری عطاوان، تحلیلگر مسائل راهبردی منطقه نیز در مقاله خود به موضوع سوریه پرداخته است. وی فتنه طایفه‌ای و مداخله رژیم صهیونیستی در سوریه را نمونه کوچک سناریوی ویرانگر آمریکا و اسرائیل در منطقه دانست و تصریح کرد که این اتفاقات قطعاً به دیگر کشورهای عربی نیز منتقل خواهد شد که با ایجاد هرج و مرج آغاز شده و تا جنگ فرقه‌ای و طایفه‌ای و تجزیه کشورهای مختلف ادامه پیدا خواهد کرد.

وی ادامه داد که این اتفاقات در شرایطی پیش می‌آید که جولانی تمامی آرزوهای صهیونیست‌ها در خصوص

سوریه در مسیر عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی قدم می‌گذاشت. در این شرایط تحریم‌های بین‌المللی آمریکا از سوریه رفع شده بود و نام گروه تروریستی تحریر الشام که جولانی سرکرده آن بود، از لیست گروه‌های تروریستی آمریکا خارج شده بود. حتی جولانی طی ۹ ماه گذشته هیچ تلاشی برای خارج کردن اشغالگران صهیونیسم از جنوب سوریه انجام ن داده بود.

این روزنامه می‌افزاید که به نظر می‌رسد بنیامین نتانیاهاو تلاش دارد تا مانع از ایجاد ثبات و بازسازی در تمام کشورهای منطقه شود. وی به دنبال سرمایه‌گذاری روی نقاط ضعف جامعه سوریه است و برای این رژیم چیزی بهتر از ایجاد شکاف‌ها و درگیری‌های فرقه‌ای در کشورهای اطراف نیست.

از منظر تل آویو، این اتفاق می‌تواند از یک سو باعث جلوگیری از توسعه دولت در این کشورها شود و از سوی

تحولات سوریه پازلی کوچک از طرح فراگیری است که رژیم صهیونیستی برای بسیاری از کشورهای عربی طراحی کرده است.

به گزارش مهر، تحولات پرشتاب کنونی سوریه از دید ناظران بین‌المللی در دو بعد داخلی و بین‌المللی قابل تحلیل و بررسی است. این اتفاقات نه تنها می‌تواند ابعادی داخلی داشته باشد که هدف نهایی از آن تجزیه سوریه دست کم به سه دولت کوچک است، بلکه از نگاه تحلیلگران در سایه، مناسبات منطقه‌ای می‌تواند دیگر کشورهای عربی منطقه را نیز درگیر خود کند.

روزنامه فرامنطقه‌ای القدس العربی در مقاله‌ای با اشاره به تلاش رژیم صهیونیستی برای تجزیه سوریه نوشت: در پی درگیری‌های به وقوع پیوسته در این کشور بین قبایل بدوی و دروزی که به مداخله حاکمیت ابومحمد الجولانی منجر شد، رژیم صهیونیستی فضای موجود را برای تشدید مداخله خود در امور داخلی سوریه مساعد دید.

صهیونیست‌ها از ابتدای سال گذشته تاکنون و بعد از سقوط دولت بشار اسد در سوریه به دنبال تحقق ۲ هدف برآمدند. هدف اول این بود که بتوانند تمامی دروزی‌های منطقه شامل ساکنان سوریه و لبنان و جولان اشغالی را قانع کنند که بهترین محافظ آنها هستند. هدف دوم تل آویو، نفوذ هرچه بیشتر در عمق سوریه و تحت کنترل گرفتن کامل منطقه جبل الشیخ به عنوان یک موقعیت استراتژیک و راهبردی بود.

روزنامه فرانسوی لیمانتی در این رابطه ضمن ابراز تردید نسبت به انگیزه‌های رژیم صهیونیستی در حمله به سوریه نوشت: این حمله در شرایطی انجام شد که حاکمیت



به قلم: مهدی زارع

یادداشت

مسئله تلفات و آسیب‌های انسانی در مخاطرات

از ابتدای سده بیست و یکم، حدود ۱.۵ میلیون نفر در جنگ‌های منطقه غرب آسیا – شرق مدیترانه (از فلسطین تا افغانستان) کشته شده‌اند و حدود ۱۶.۵ میلیون نفر مجبور به ترک محل زندگی و خانه‌های خود شده‌اند.

در همین ربع قرن، تعداد تلفات گزارش شده سوانح طبیعی در همین منطقه حدود ۱۰ درصد تلفات ناشی از جنگ‌ها بوده است. هم جنگ به عنوان یک فاجعه انسان‌ساخت و هم مخاطرات طبیعی تهدیدات شدیدی ایجاد می‌کنند، اما جنگ خطرناک‌تر و مخرب‌تر برای مردم کشورهای جهان سوم و در حال توسعه در قرن بیست و یکم بوده است. جنگ عمداً زیرساخت‌های ضروری مانند بیمارستان‌ها، مدارس، تصفیه‌خانه‌های آب، شبکه‌های برق، جاده‌ها، پل‌ها و مزارع را نابود می‌کند. این آسیب‌ها جانبی نیست؛ بلکه اغلب راهبردی برای شکستن اراده یا ظرفیت دشمن است. در مقابل، مخاطرات طبیعی به طور تصادفی به زیرساخت‌ها آسیب می‌رسانند. کشورهای در حال توسعه اغلب فاقد منابع و زیرساخت‌های لازم برای آمادگی مؤثر، پاسخگویی و بازیابی پس از سوانح طبیعی و انسانی هستند. سامانه‌های هشدار اولیه ناکافی، خدمات اضطراری ضعیف، دسترسی محدود به مراقبت‌های بهداشتی و فقدان شبکه‌های ایمنی اجتماعی از جمله کاستی‌های اصلی‌اند. این کمبودها منجر به مرگ و میر بالاتر، دوره‌های بازسازی طولانی‌تر و افزایش مشکلات اقتصادی می‌شود. سوانح طبیعی و ساخته دست بشر می‌توانند اثرات زنجیره‌ای ایجاد کنند؛ مثلاً زلزله ممکن است به زیرساخت‌ها آسیب زده و نشت نفت یا آلودگی آب را به دنبال داشته باشد. جنگ سامانه‌های مورد نیاز برای بقا را از بین می‌برد. با فروپاشی دولت‌ها، هرج و مرج، جنگ‌سالاری و جرم و جنایت گسترش می‌یابد. سامانه‌های سلامت نابود می‌شوند، کادر پزشکی فرار یا هدف قرار می‌گیرند، تدارکات مسدود می‌شود و بیماری‌های قابل پیشگیری به عوامل کشنده تبدیل می‌شوند.

بازارها فرو می‌ریزند، ارزش پول کاهش می‌یابد، تجارت متوقف می‌شود، سرمایه‌گذاری از بین می‌رود و تورم و بیکاری گسترده رخ می‌دهد. مزارع نابود می‌شوند، زنجیره‌های تأمین غذا مختل می‌شوند و قحطی به سلاخی علیه مردم تبدیل می‌شود. جنگ باعث بحران‌های عظیم و طولانی مدت پناهندگان و آوارگان داخلی می‌شود. مردم از خشونت و حملات نظامی فرار می‌کنند، خانه‌ها، معیشت و شبکه‌های حمایتی تخریب می‌شوند. اردوگاه‌ها به کانون‌های بیماری و ناامیدی بدل می‌شوند. سوانح طبیعی معمولاً چابایی‌های کوتاه‌مدت و ملی ایجاد می‌کنند که سیستم‌های محلی می‌توانند آن را مدیریت کنند، اما جنگ‌های مدرن، مانند تجاوز نظامی اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه، مرز بین نظامیان و غیرنظامیان را از بین برده‌اند و حملات عمدی به غیرنظامیان و استفاده از فناوری‌های پیشرفته، ابعاد وحشتناک‌تری به درگیری‌ها بخشیده است.

جنگ زخم‌های روانی عمیقی مانند PTSD و افسردگی نسل‌ها ایجاد می‌کند، نفرت فرقه‌ای را تشدید می‌کند و اعتماد اجتماعی را از بین می‌برد و فرآیند بهبودی و آشتی را سال‌ها پس از پایان جنگ دشوار می‌سازد. دسترسی به کمک‌های بشردوستانه در جنگ به چالشی نظامی تبدیل می‌شود، همانند وضعیت غزه که محاصره کمک‌ها را مسدود می‌کند یا آنها توسط طرفین درگیری رد می‌شود. امدادگران نیز هدف قرار می‌گیرند. در مقابل، سوانح طبیعی معمولاً با افزایش کمک‌های بین‌المللی مواجه می‌شوند، هرچند تدارکات آن گاه چالش‌برانگیز است. جنگ به دلیل فروپاشی سامانه‌های بهداشت و درمان، زمینه را برای شیوع بیماری‌های همه‌گیر فراهم می‌کند. محیط زیست را ویران می‌کند.جاه‌های نفت در حال سوختن در جنگ‌های منطقه خلیج فارس در دفاع مقدس هشت ساله ایران (۱۹۸۰–۱۹۸۹) و جنگ‌های عراق پس از ۱۹۹۰ را به یاد آورید و مشکلاتی که بقایای سمنی این آتش‌سوزی‌ها ایجاد کرد. این شرایط آموزش را در یک نسل مختل کرده، قاچاق غیرقانونی و جرایم سازمان‌یافته را دامن زده و سلامت غذایی نسل‌های پس از تحریم را به شدت تهدید کرده است. وضعیت عراق در دهه ۹۰ میلادی نمونه بارزی از این پیامدهاست.

یادداشت

خلق راهکار برای رشد اقتصادی

رشد اقتصادی به افزایش تولید کالاها و خدمات در یک اقتصاد در یک دوره خاص اشاره دارد که اغلب با تولید ناخالص داخلیGDP مخففGross Domestic Product اندازه‌گیری می‌شود. این نشان دهنده توانایی یک اقتصاد در تولید کالاها و خدمات بیشتر برای شهروندان و هموطنانش است.

تعریف اولیه رشد اقتصادی اساساً افزایش ظرفیت یک اقتصاد برای تولید کالاها و خدمات است و معمولاً با تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌شود که نشان دهنده ارزش کل کالاها و خدمات تولید شده در یک کشور است. اندازه‌گیری رشد اقتصادی اغلب به‌عنوان درصد تغییر در تولید ناخالص داخلی واقعی اندازه‌گیری می‌شود که همان تولید ناخالص داخلی تعدیل شده برای تورم است



به‌قلم: پریسا حاجی محمدی / دکتری کسب و کار حرفه ای DBA

پتانسیل تورم، نابرابری درآمد و تخریب محیط زیست. سیاست‌گذاران باید این ریسک‌ها را به دقت مدیریت کنند تا رشد پایدار و فراگیر را تضمین کنند. رشد اقتصادی را همچنین می‌توان با افزایش بهره‌وری و کل ساعات کار در یک اقتصاد به دست آورد که شامل افزایش سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی (آموزش و مهارت)، سرمایه فیزیکی (ابزار و تجهیزات) و پیشرفت‌های فناوری است.

علاوه بر این، سیاست‌هایی که هزینه‌های مصرف‌کننده و کسب‌وکار را تشویق می‌کنند، مانند کاهش مالیات، می‌توانند رشد اقتصادی را نیز تحریک کنند. رشد پایدار نیازمند تمرکز بر فراگیری های قوی است که خدمات اساسی مانند آموزش و مراقبت‌های بهداشتی ارائه می‌دهند.

چرخه‌های اقتصادی به چه ترتیبی است؟ رشد اقتصادی همیشه خطی نیست. اقتصادها چرخه‌های انبساط و انقباض را تجربه می‌کنند، با دوره‌های رشد و به دنبال آن دوره‌های رشد کندتر یا حتی رکود. درک این چرخه‌ها برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آگاهانه بسیار مهم است. زمینه جهانی رشد اقتصادی به چه معناست؟ رشد اقتصادی در سراسر جهان یکنواخت نیست. برخی از مناطق یا کشورها ممکن است به دلیل عوامل مختلف، از جمله سطح توسعه، دسترسی به منابع و شرایط اقتصادی جهانی، نرخ رشد سریع‌تری نسبت به سایرین داشته باشند. ریسک‌ها و چالش‌های رشد اقتصادی چیست؟ با اینکه کلمه کلیدی مطرح شده جذابیت خود را دارد اما ریسک‌ها و چالش‌هایی مرتبط با رشد اقتصادی وجود دارد، مانند

تا تغییرات در حجم تولید، نه فقط افزایش قیمت‌ها را منعکس کند. اهمیت این موضوع چیست؟ رشد اقتصادی شاخص کلیدی سلامت اقتصادی یک ملت است و از نزدیک توسط سیاست‌گذاران، مشاغل و سرمایه‌گذاران رصد می‌شود. این رشد می‌تواند منجر به افزایش اشتغال، افزایش استانداردهای زندگی و فرصت‌های بیشتر برای مشاغل و افراد شود. عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی چیست؟ رشد اقتصادی تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله انباشت سرمایه (سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، ماشین‌آلات و غیره)، نیروی کار (اندازه و بهره‌وری نیروی کار)، منابع طبیعی و پیشرفت‌های فناوری قرار دارد.